

مهدویت از دیدگاه آیت‌الله بهجت (ره)

بی‌تردید حضرت آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت (ره) که از مفاخر زنده تشیع است، برای بسیاری شناخته شده‌اند. ایشان که شیخ الفقهاء این عصرند از بزرگان اهل عرفان عملی نیز به شمار می‌آیند.



بی‌تردید حضرت آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت (ره) که از مفاخر زنده تشیع است، برای بسیاری شناخته شده‌اند. ایشان که شیخ الفقهاء این عصرند از بزرگان اهل عرفان عملی نیز به شمار می‌آیند.

شهادت بزرگان معرفت چون میرزا علی آقای قاضی، امام خمینی، آیت‌الله بهاء‌الدینی و ... بر این مطلب صحّه نهاده و ده‌ها نقل کرامت عملاً ایشان را بین خاص و عام شهره این مقامات نموده است.

لکن سلوک خاصّ ایشان؛ کم حرفی و فقدان تألیفات موجب شده که سخنانی از ایشان نقل و گاه به شکل گلچین چاپ شود که نوعاً فاقد نظامی منطقی و ارائه یک نظام منسجم به خواننده می‌باشد.

نبودن چنین تقدیر نظام‌مندی از فرمایشات ایشان منجر شده گاه شایعاتی پیرامون موضوعات مختلفی از جمله مسائل پیرامون مهدویت در بین مردم رواج یابد و پس از مدتی انکار و تکذیب گردد.

در این مقاله به دنبال دسته‌بندی و ارائه فرمایشات به ظاهر پراکنده معظم له درباره موضوع مهدویت هستیم. علی‌القاعده منابع اصلی ما نیز همان کتاب‌هایند لذا نمی‌توان ادعا کرد توانسته باشیم به همه ابعاد نظر ایشان درباره این موضوع مهم دست یافته باشیم.

اما اهمیت مطلب از یک سو، و اهمیت، ارجمندی و وجاهت صاحب نظر از سوی دیگر ما را بر آن داشت تا همین اندک را هم دریغ نورزیم و آن را توشه راه نماییم. بدین منظور، مطالب را در چهار بخش مرتبط به هم تقدیم می‌داریم.

1. وضعیت امام غائب (عج)

آیت‌الله بهجت چونان سایر عالمان شیعی، امام را بزرگ‌ترین آیت حق، «؛آینه‌ای که تمام عالم را نشان می‌دهد»¹، «؛ولی نعمت‌ها و مجرای رساندن فیض به ما»² دانسته، درباره امام عصر(ع) می‌فرمایند: «؛اهلبیت همه نور واحدند؛ لذا انسان به هر کدام متوسل شود از دیگری جواب می‌گیرد.

البته مصالحی در کار است همچنان‌که حضرت رسول(ص) در پاسخ حاجات درخواست شده از ایشان، به حضرت امیر(ع) و آن حضرت به امام حسن(ع) تا امام زمان(ع) حواله داده‌اند.

زیرا مجری امور در این زمان آن حضرت است؛³ نه فقط به لحاظ ظاهری بلکه به لحاظ ولایت باطنی نیز «؛نزدیک‌ترین ائمه به ما حضرت حجت(عج) می‌باشد».⁴

آیت‌الله بهجت به رغم اینکه آن حضرت را مالک کره زمین و واسطه همه ارزاق و خیرات به ما دانسته، اما درباره وضعیت ایشان چنین

می‌گوید: «171#& چه مصائبی بر امام زمان(عج) - که مالک همه کرة زمین است و تمام امور به دست او انجام می‌گیرد - وارد می‌شود، و آن حضرت در چه حالی است و ما در چه حالی؟ او در زندان است و خوشی و راحتی ندارد و ما چقدر از این مطلب غافل‌ایم و توجهی نداریم.» 5 همچنین در جایی دیگر از دست‌بسته بودن امام سخن می‌گوید.

و مثال او را مثال ناقة صالح می‌خوانند. «171#& ما از غم‌خوار، هادی، حامی و ناصر خود قدردانی و شکرگزاری نمی‌کنیم و واسطة خیر را پی می‌کنیم که: «171#& ففقروها» 6.

پس به عکس آنچه برخی عوام تصور دارند، امام غائب، فارغ از ما، در نعمت و سرور و در باغی خوش آب و هوا منزل ندارد بلکه در صبری جان‌کاه روزگار می‌گذراند. حضرت غائب(عج) عجب صبری دارد با اینکه از تمام آنچه که ما می‌دانیم و نمی‌دانیم اطلاع دارد و از همه امور و مشکلات و گرفتاری‌های ما باخبر است... 7.

خدا عجب صبری به ولی‌عصر(ع) داده که هزار سال است می‌بیند بر سر مسلمانان چه بلاهایی می‌آید و چه بلاهایی خود مسلمانان بر سر هم می‌آورند، و همه را تحمل می‌کند. 8.

2. وضعیت مأمومان در غیبت

از نظر آیت‌الله بهجت، همه شیعیان فرزندان فاطمه(س) اند 9 اما این مأمومین امام غائب دارای دو وضعیت‌اند: وضعیت بالقوه آنها که همان دارایی‌ها و امکانات آنهاست.

در کلمات ایشان دو چیز گنج و کنز عالی است:

الف - میراث علمی ائمه اطهار(ع): ایشان در معرفی این گنجینه مهم می‌فرماید: «171#& این همه ودایع، کتب، مخازن علم، روایات، و ادعیه در اختیار ما گذاشته‌اند به گونه‌ای که اگر کسی بخواهد امامی را حاضر بباید، یا صدایش را از نوار گوش دهد، یا در خدمتش باشد تا مطالب آنان را استماع کند - نه اینکه خود در محضر آنان صحبت کند - بهتر از اینها را پیدا نمی‌کند. همه چیز در دسترس ما است ولی حالمان مانند حال کسانی است که هیچ ندارند.» 10

ب - استمرار فیض امام(ع): گنج دیگر شیعیان، داشتن امام حیّ و استمرار فیض او است که به لحاظ عملی هم‌اکنون هم شیعیان می‌توانند از او بهره ببرند.

آیت‌الله بهجت در پاسخ به سؤال که از ایشان شده بود: چرا ما باید از عترت محروم باشیم؟ پاسخ دادند: «171#& چه کسی گفته از فیوضات آنان محروم‌ایم؟ ما به اختیار محروم‌ایم! همچنین: «171#& نور الامام فی قلوب المؤمنین انور من الشمس المضيئة بالنهار» منتها دنبال کردن و طلب می‌خواهد.

در زمان غیبت هم عنایات و الطاف امام زمان(عج) نسبت به محبان و شیعیان اش زیاد دیده شده است باب لقاء و حضور کاملاً مسدود نیست، بلکه اصل رؤیت جسمانی را هم نمی‌شود انکار کرد.¹¹

در نظر ایشان اساساً امام(ع) از نظر ظالمان محجوب است نه عارفان: حضرت از اعین الظالمین محجوب است: «المحجوب عن اعین الظالمین» اما کسانی که نه ظالم‌اند، نه رفیق ظالم و نه با ظالمان معاشر، آن حضرت از دید آنان محجوب نیستند.¹² اما این وضعیت بالقوه شیعه و امکانات اوست.

وضعیت بالفعل و موجود مأمومین در نظر ایشان پست و ناچیز است: «مسلمانان زعیمی ندارند که در زیر لواء و پرچم او قرار گیرند زیرا ستیان که اصلاً قائل به زعیم و امام نیستند و شیعه هر چند اعتقاد به امام دارد ولی در عمل و وضعیت مانند ستیان هستند و با آن فرقی ندارند!»¹³

در واقع یک تشیع اسمی است. از این رو انذار می‌دهند: «اگر امام زمان هم بیاید با او همان معامله را می‌کنیم که با آباء طاهرینش کردیم! آیا می‌شود امام زمان(ع) چهار صد میلیون [تعداد شیعیان] یاور داشته باشد و ظهور نکند؟¹⁴

اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بندگان هستند که علم و صوابشان مَطْرَد است یعنی با داشتن مقام عصمت، نه خطا می‌کنند و نه خطیئه و امام زمان(عج) عین‌الله الناظره و اذنه السامعه و لسانه الناطق و یده الباسطة (چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و دست گشاده خداوند) است و از اقوال، افعال، افکار و نیات ما اطلاع دارد، مع ذلک گویا ما ائمه و به خصوص امام زمان(عج) را حاضر و ناظر نمی‌دانیم بلکه گویا مانند عامه اصلاً زنده نمی‌دانیم و به کلی از آن حضرت غافل هستیم.¹⁵ یعنی با وجود در اختیار داشتن میراث علمی آنها مثل کسانی هستیم که هیچ ندارند و نسبت به فیوضات معنوی آنها نیز مثل کسانی هستیم که اصلاً امام را متولد شده نمی‌دانند!

3. اسباب غیبت امام(ع)

نکته در خور توجه در کلمات ایشان این است که ایشان چنین غیبتی را بی‌سابقه می‌دانند:

امیدوارم خداوند برای یک مشیت شیعه مظلوم، صاحبشان را برساند.

زیرا در عالم چنین سابقه‌ای نداشته و ندارد که رئیس و رهبری از مریدان و لشکرش این قدر غیبت طولانی داشته باشد! چه باید گفت؟ معلوم نیست تا کی! در تمام امّت‌های گذشته غیبت مقدّر شده است ولی در هیچ امّتی چنین غیبتی با وقت نامعلوم غیرمقدّر اتفاق نیفتاده است.¹⁶

بر این اساس از آنچه گذشت می‌توان حدس زد عامل اصلی غیبت نزد ایشان چیست؟ آیت الله بهجت، اصلی‌ترین مسبب غیبت را خود مردم می‌بینند؛ گذشتگان به نوعی و موجودین به نوعی دیگر؛

«سبب غیبت امام زمان(ع) خود ما هستیم زیرا دستانمان به او نمی‌رسد و گرنه در میان ما بیاید و حاضر شود چه کسی او را

می‌کشد؟ آیا جتیان آن حضرت را می‌کشند یا قاتل او انسان است؟ ما از پیش در طول تاریخ ائمه امتحان خود را پس داده‌ایم که آیا از امام تحفظ و اطاعت می‌کنیم و یا اینکه او را به قتل می‌رسانیم؟!»¹⁷

ایشان از عدم قدردانی و شکرگذاری مردم نسبت به غم‌خوار، هادی، حامی و ناصر خویش، و حتی بدتر از آن اینکه برخی آلت دست دشمنان امام هم می‌شوند، گله می‌کنند:

&171#؛ با وجود اعتقاد داشتن به رئیسی که عین الله الناظره است آیا می‌توانیم از نظر الهی فرار کنیم و یا خود را پنهان کنیم؟ و هر کاری را که خواستیم انجام دهیم؟! چه پاسخی خواهیم داد؟! همه ادوات و ابزار را از خود او می‌گیریم و به نفع دشمنان به کار می‌گیریم و آلت دست کفار و اجانب می‌شویم و به آنان کمک می‌کنیم!»¹⁸

پی نوشت ها :

1. رخشاد، محمدحسین، 600 نکته در محضر آیت‌الله العظمی بهجت، ص 8

2. همان، ص 1

3. همان، ص 174

4. ساعی، سید مهدی، به سوی محبوب، 55

5. رخشاد، همان، ص 188

6. همان، ص 1

7. همان، ص 210

8. همان، 104

9. همان، ص 2.

10. همان، ص 78

11. همان، ص 247

12. دلاور، مسعود، فیضی و رای سکوت، ص 30

13. امیدیان، محمدتقی، امام زمان(ع) در کلام آیت‌الله بهجت، 56

14. رخشاد، همان، ص 1

15. همان، ص 2

16 همان، ص 173.

17. همان، ص 91

18. امیدیان، همان، ص 37.